

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

۲

حرف مردم حمایت از حزب الله است



با انتشار تصاویر جدیدی از فرار ناوشکن آمریکایی از تنگه هرمز، فضا سازی های اخیر آمریکا رسوا و ترامپ تحقیر شد

۳

تنگسیری زنده است

مذاکرات اسلام آباد؛ روایت تداوم بازدارندگی

داود منظور

رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

مذاکرات اسلام آباد، صرفاً یک گفت و گوی سیاسی نبود؛ صحنه ای بود برای آشکار شدن یک حقیقت بزرگ؛ اینکه ملت ایران، در اوج فشار رود میانه نبرد، همچنان اهل منطق است، اما هرگز اهل تسلیم نیست. این مذاکرات با تدبیر آغاز شد؛ نه از سر نیاز، بلکه از موضع اقتدار. قرار بود جهان ببیند که ایران، برخلاف روایت های تحریف شده، درهای گفت و گورانی بندد، بلکه آن را با عزت و حکمت می گشاید. به اندازه ای که این پیام به گوش ها برسد، زمان صرف شد و آنچه باید گفته می شد، گفته شد. این، یک اتمام حجت تاریخی بود.

اما همان گونه که قابل پیش بینی بود، این مذاکرات با زیاده خواهی های آمریکا به پایان رسید. مسئله از ابتداء روشن بود؛ اختلاف نه بر سر جزئیات، بلکه بر سر ماهیت نظم پساجنگ است. ایران به دنبال تثبیت دستاوردهای میدانی خود - از حق غنی سازی تا نقش ژئواکونومیک در تنگه هرمز و توقف فشار بر جبهه های منطقه ای - بود، در حالی که آمریکا تلاش داشت این دستاوردها را محدود کرده و شرایط را به وضعیت پیش از جنگ بازگرداند. طبیعی است که چنین شکافی، در یک دور مذاکره قابل پر شدن نباشد.

و چه قابل تأمل که پیش از آغاز این گفت و گوها نیز بسیاری از تحلیلگران و مراکز فکری در همان سوی جهان ادعان داشتند که این مسیر، به توافقی سریع نخواهد انجامید. آنان به درستی دریافته بودند که شکاف، شکاف جزئیات نیست؛ شکاف بر سر «تعریف آینده» است - بر سر این که چه کسی قواعد نظم پساجنگ را خواهد نوشت. امروز، نتیجه اسلام آباد، همان پیش بینی ها را به واقعیت بدل کرده است. اما آنچه رخ داد، بیش از هر چیز، ماهیت طرف مقابل را عیان کرد؛ زیاده خواهی، بدعهدی و تلاش برای تحمیل شرایطی که نه با واقعیت میدان سازگار بود و نه با منطق عدالت. آمریکا با ردیگر نشان داد که در بزنگاه ها، به جای پذیرش واقعیت، به دنبال فرار از آن است؛ به دنبال خریدن زمان، ترمیم ضعف ها و بازسازی آنچه در میدان از دست داده است. آمریکا نه توانست شروط خود را تحمیل کند، نه ایران را به عقب نشینی وادار نماید و نه چارچوب مطلوب خود را بر آتش بس حاکم کند. از این منظر، پایان مذاکرات بیش از هر چیز نشان دهنده ناتوانی آمریکا در تغییر موازنه موجود است.

چرا مذاکرات باز هم شکست خورد؟

جزئیات جدید از مذاکرات اسلام آباد

صفحه ۵

اقتصادی

ژئوپلیتیک انرژی؛

چرا آمریکا هرمز
را رها نمی کند؟

خبر کوتاه

قابلیف: آمریکا نتوانست
اعتماد ایران را جلب کند

رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص مذاکرات اسلام آباد در رشته توییتی نوشت: پیش از مذاکرات تاکید کردم که ما حسن نیت و اراده لازم را داریم ولی به دلیل تجربیات دو جنگ قبلی، اعتمادی به طرف مقابل نداریم. همکاران من در هیئت ایرانی میناب ۱۶۸ ابتکارات رو به جلویی مطرح کردند ولی طرف مقابل در نهایت نتوانست در این دور از مذاکرات اعتماد هیئت ایرانی را جلب کند. آمریکا منطق و اصول ما را درک کرد و حالا وقت آن است تا تصمیم بگیرد که آیا می تواند اعتماد ما را جلب کند یا نه؟

سردار قآنی: امروز مقاومت قوی تر
و منسجم تر از هر زمان دیگر است

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: جبهه مقاومت یک پارچه و منسجم است و وحدت و انسجام آن بینظیر است. رژیم صهیونیستی تصور میکند با فشار به مقاومت و شهادت آنها و مردم مظلوم و بیگناه موجب شکست یا ضعف یا تسلیم آنها میشود. فرهنگ مقاومت به نحوی است که هر چه فشار بیشتری را تحمل کنند مستحکمتر و قویتر میشود. امروز مقاومت قویتر و منسجم تر از هر زمان دیگر است.

پرونده های ستون پنجم دشمن
خارج از نوبت رسیدگی می شود

حجت الاسلام والمسلمین منتظری رئیس دیوان عالی کشور گفت: اقدامات تجاوز گرایانه دشمن در حمله به مناطق مسکونی نقض آشکار حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل حقوق بشر، به ویژه حق حیات، محسوب می شود و جای تأسف است که مدعیان حقوق بشر در این زمینه سکوت اختیار کرده اند. همانطور که قبلا نیز اعلام کرده ام مادر دیوان عالی کشور در اجرای حق و عدالت و رسیدگی خارج از نوبت و فوق العاده به پرونده های حساس و خاص از جمله پرونده های ستون پنجم دشمن و جواسیس از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

عبدالکریمی: شبه روشنفکران
اشتباه خود را بپذیرند

استاد فلسفه و کارشناس مسائل سیاسی طی مصاحبه ای گفت: اخیرا شاهد بودیم که برخی کنشگران سیاسی که از صداقت برخوردار بودند، صراحتاً به اشتباهات خود اعتراف کردند. من به جریان شبه روشنفکری ایران پیشنهاد می کنم اشتباه خود را بپذیرند و به دامان ملت بازگردند. در این صورت امیدی برای حیات آنها وجود دارد، اگر نه از خط خارج می شوند.

اسلامی: بازه تبلیغات انتخاباتی نامزدهای
شورای شهر سوم تا نهم اردیبهشت است

سخنگوی ستاد انتخابات کشور تأکید کرد: ستاد انتخابات کشور بر لزوم دقت، اهتمام و پیگیری جدی فرآیندهای اجرایی توسط رؤسای ستادهای استانی، فرمانداران و بخشداران تأکید دارد و خواستار نظارت مستمر بر روند اجرا است. اسلامی افزود: مرحله اصلی پیش رو، بازه تبلیغات انتخاباتی است که از سوم اردیبهشت ماه آغاز می شود و تا نهم اردیبهشت ادامه خواهد داشت و لازم است مسئولان محلی با دقت نسبت به تبیین و اجرای این مرحله اقدام کنند.

گفتگوی ((نوبنیاد)) با قاضی زاده هاشمی درباره نتایج بیش از ۴۰ شب حضور میدانی مردم:

حرف مردم حمایت از حزب الله است

رهبرانقلاب مبنی بر اهمیت اجتماعات مردمی در خیابان ها و تأثیر آن بر جنگ و مذاکرات و همچنین ضرورت تداوم حضور مردمی در میادین و حمایت ایران از جبهه مقاومت سخن گفت.

دکتر امیرحسین قاضی زاده هاشمی نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در مصاحبه با روزنامه نوبنیاد درباره فرازهایی از پیام اخیر



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

وی در پاسخ به این سوال که تداوم حمایت ایران از جبهه مقاومت تا چه میزان بر تثبیت پیروزی های ایران در میدان موثر است، خاطر نشان کرد: ما در جنگ ۴۰ روزه، پیروزی ایران در مقابل متجاوزین آمریکایی صهیونیستی را تثبیت کردیم و حالا زمان آن است حمایت از جبهه مقاومت در منطقه وارد فاز تازه ای شود و تمام جریانات ضد صهیونیستی با محوریت ایران مورد حمایت قرار گیرد.

رئیس سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران در این همین رابطه به فداکاری های لبنان و حزب الله در این ایام اشاره کرد و گفت: ما باید محکم و قاطع در کنار لبنان و حزب الله بایستیم و با بیانی صریح اعلام کنیم که ما لبنان را فراموش نخواهیم کرد. حزب الله لبنان برای ما جان داد و ایران هم برای این مجاهدان جان خواهند داد و فراموش شان نمی کنیم. همچنان که در تجمعات میدانی این شبها هم شاهد هستیم که با وجود انجام مذاکرات در اسلام آباد، حرف مردم مطلقاً این نیست که آتش بس شد و تمام؛ بلکه مردم تداوم پیروزی ها و حمایت از جبهه مقاومت را فریاد میزنند و پرچم حزب الله لبنان را به اهتزاز در آورند.

به گفته قاضی زاده، ایران باید همین سیاست و بیان صریح در حمایت از جبهه مقاومت را در قبال عراق، یمن و حتی مجاهدان بحرینی نیز اعلام و اعمال کند. وی تصریح کرد: امروز انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و ما به نوعی جهان وطن شده ایم. یعنی روحیه استکبارستیزی و آزادی خواهی مردم ایران امروز تکثیر شده و توسط مردم دیگر کشورها ظهور و بروز یافته است. این برای ایران یک مسئولیت جهانی در نفی استبداد و استکبار و حمایت از مظلومان و مستضعفین ایجاد کرده است.

امام راحل (ره) موجب شکل گیری نهضت اجتماعی و پیروزی انقلاب شد. در تمامی حوادث چند دهه پس از انقلاب از اقدامات تجزیه طلبانه گروهک ها در مناطق مختلف گرفته تا جنگ تحمیلی ۸ ساله، همواره شاهد نقش آفرینی مردم فداکار ایران بوده ایم. هر بار هم فتنه ای در این کشور رخ داد، مردم بساط فتنه را جمع کردند.

به گفته قاضی زاده، تفاوت حضور مردمی این ایام با تمامی حماسه های پیشین، این بود که تا پیش از این، مردم در پاسخ به ندای رهبر خود به میدان می آمدند؛ اینبار اما رهبر عزیز انقلاب شهید شده بود و دشمن هم انتظار داشت که در غیاب رهبر و مقتدای مردم، یک فروپاشی اجتماعی در کشور رخ دهد. نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه عموم مردم به میدان آمدند. اینبار حتی کسانی که در بزنگاه های قبلی به میدان نمی آمدند به ندای رهبر شهید انقلاب لبیک گفتند. این حضور باشکوه، به رزمندگان مجاهد کشورمان روحیه داد و همچنین دشمنان ایران اسلامی را منکوب کرد.

معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم، برهم خوردن نقشه دشمن برای ایجاد جنگ داخلی، برباد رفتن پروژه های تجزیه طلبی در مرزها، بی اعتباری جریان وابسته پهلوی و گروهک نفاق و همچنین ناامید شدن دشمن از موفقیت گزینه نظامی در ایران را از جمله نتایج حضور موثر و تعیین کننده اقشار مختلف مردم در خیابان ها و وحدت مقدس ایرانیان برشمرد. معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم همچنین تأکید کرد: آنقدر موج حمایت مردم در حمایت از نظام و رهبر معظم انقلاب قوی و عظیم بود که ما شاهد بودیم برخی از کسانی که تا قبل از این با نظام فاصله داشتند و یا حتی در خارج از کشور ساکن بودند، به سیل خروشان مردم پیوستند.

دکتر سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی و معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در مصاحبه با روزنامه نوبنیاد با اشاره به فرازهایی از پیام اخیر رهبرانقلاب مبنی بر اهمیت اجتماعات مردمی در خیابان ها و تأثیر آن بر جنگ و مذاکرات و همچنین ضرورت تداوم حضور مردمی در میادین و حمایت ایران از جبهه مقاومت گفت: امروز انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و ما به نوعی جهان وطن شده ایم. این برای ایران یک مسئولیت جهانی در نفی استبداد و استکبار و حمایت از مظلومان و مستضعفین ایجاد کرده است.

وی با اشاره به نقش برجسته مردم در پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ نظام جمهوری اسلامی گفت: از ابتدا، لبیک مردم به ندای استقلال طلبی



توقیف اموال تروریست‌ها؛ نوبت به عنایت رسید

در راستای قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی، مقابله با اقدامات خصمانه عوامل رسانه‌های معاند که با دشمن صهیونی-آمریکایی همکاری می‌کنند و در جهت تقویت دشمن‌گام بر می‌دارند، دستور قضایی جهت شناسایی و توقیف اموال و مسدودی حساب اموال و املاک عنایت مدیر شبکه تروریستی اینترنشنال صادر شد.

به گزارش دادستانی و براساس اقدامات حقوقی صورت گرفته از مدیر اینترنشنال شبکه رژیم صهیونیستی، اموال زیادی در ایران شناسایی شده و با دستور مقام قضایی توقیف شده‌اند. این فرد اقدام به فعالیت شبکه‌ای و مستمر علیه امنیت ملی و منافع ملت ایران در این شبکه ضد ایرانی داشته است و کارشناسی باقی اموال این فرد ادامه دارد. این گزارش می‌افزاید:

در ۳۴ مورد اموال و دارایی‌های توقیف شده از این فرد قطعات زمین ارزشمند با کاربری‌های مختلف، چند مزرعه، خانه و آپارتمان، چند قطعه باغ، یک کارخانه و موارد دیگری از اموال توقیف شده است. هرچند اقدام قضایی در توقیف اموال تروریست‌ها و مزدوران رسانه‌ای دشمن در ایران اقدامی قابل تحسین است اما در مقابل این سوال را پدید می‌آورد که به توجه به فعالیت چند ساله شبکه صهیونیستی اینترنشنال علیه ایران، چگونه تاکنون این افراد در ایران دارای داشتند؟ و اینکه دلیل تاخیر در برخورد قضایی با اینگونه افراد ضدوطن چه بوده است؟



با انتشار تصاویر جدیدی از فرار ناوشکن آمریکایی از تنگه هرمز، فضا سازی های اخیر آمریکا رسوا و ترامپ تحقیر شد؛

تنگسیری زنده است

روز شنبه نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی خطاری به ناوشکن ۱۲۱ نیروی دریایی آمریکا هشدار داد که در صورت عدم تبعیت از دستورات، این شناور مورد هدف قرار خواهد گرفت. نیروی دریایی سپاه همچنین به همه شناورهای حاضر در دریای عمان اخطار داد که در صورت مشاهده هرگونه شناور نظامی بیگانه در اطراف خود به فاصله ۱۰ مایل از آن دور شوید. چون ما آماده هدف قرار دادن آنها هستیم.

جعفر کاظمی
روزنامه نگار

روز شنبه دو ناوشکن آمریکا یواس اس مایکل مورفی و یواس اس فرانک ای پترسون ارتش تروریستی ایالات متحده آمریکا، که قصد عبور از تنگه هرمز را داشتند، توسط نیروهای دریایی سپاه رهگیری و مجبور به عقب نشینی شدند.

شبکه پرس تی وی در گزارشی در خصوص تلاش دوناوآمریکایی برای عبور از تنگه هرمز نوشت: «ناوشکن یواس اس فرانک پترسون ابتدا سعی کرد به مسیر خود ادامه دهد اما بلافاصله متوجه شد که رادارهای موشک کروز روی آن قفل شده‌اند و توسط شناورهای سپاه متوقف شد. همزمان، پهپادهای سپاه بر فراز دو ناوشکن پرواز کردند. سپس ناوشکن یواس اس پترسون از طریق کانال ۱۶ بین المللی اخطار به‌ای دریافت کرد مبنی بر اینکه یا باید ظرف سی دقیقه برگردد و منطقه را ترک کند، در غیر این صورت هدف نیروهای مسلح ایران قرار خواهد گرفت؛ همانطور که ناوشکن بر ادامه مسیر اصرار داشت، آخرین هشدار به آن داده شد، به طوری که ناوشکن تنها چند دقیقه با نابودی فاصله داشت.»

عملیات روز شنبه نیروی‌های مسلح ایران و اعمال قدرت و سلطه بر تنگه هرمز نیز تنها مصداق و نشانه تداوم مدیریت ایران بر تنگه هرمز نبوده است.

تلاش ناکام عملیات ارتش تروریستی آمریکا در حالی صورت گرفت که دو

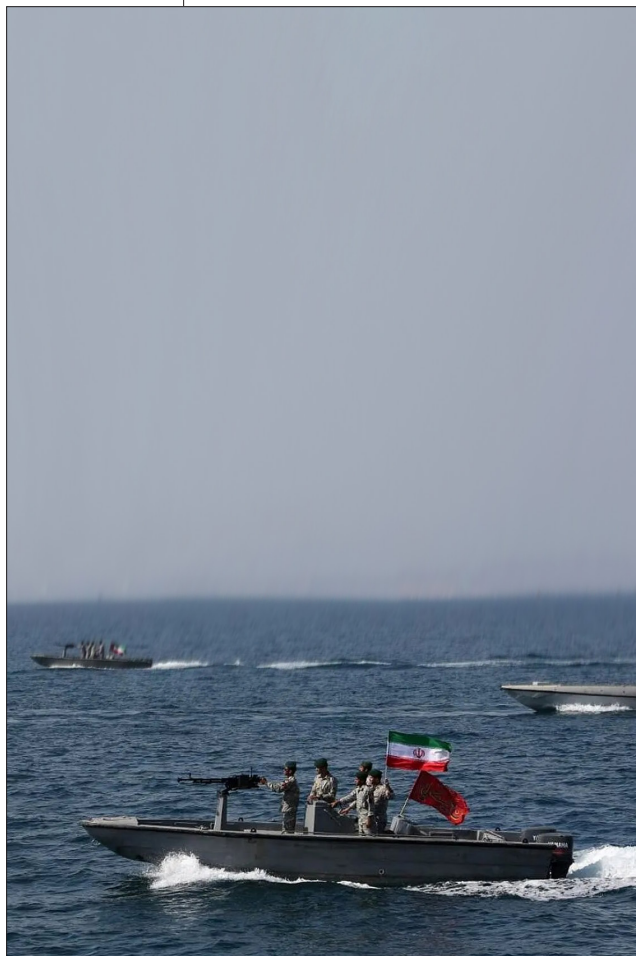
روز پیش نیز در جریان مذاکرات اسلام آباد رئیس جمهور آمریکا و فرماندهی سنتکام مدعی عبور موفق دو ناوشکن آمریکایی به قصد عملیات پاکسازی و مین روی در تنگه هرمز شده بودند که از طرف قرارگاه خاتم الانبیا تکذیب شد. ناکامی‌های پی‌پی ارتش تروریستی آمریکا در آزادسازی تنگه هرمز که در همان ساعات ابتدایی جنگ رمضان، به طور کامل

تحت کنترل نیروی‌های مسلح ایران درآمد و همچنان تحت کنترل است؛ خط بطلانی بر تمامی فضا سازی‌های منفی جبهه آمریکایی کشید و به یک رسوایی نظامی و سیاسی برای ترامپ تبدیل شد.

شکست تحقیرآمیز ارتش آمریکا در روز شنبه، بر ملا شدن کذب لاف‌های قبلی، عجز در اسکورت نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز مجموعه‌ای از ناکامی‌های آمریکا را در این باره تشکیل داده‌اند.

با توجه به سلطه مطلق نیروی‌های مسلح ایران بر تنگه هرمز، عملیات ایران پیام آشکار خود برای اعمال رژیم حقوقی جدید در این تنگه را به جهان اعلام و دیکته کرده است.

ترامپ به تیم ایران پیوست!
رئیس جمهور آمریکا، با تهدید به



صید پهپادهای رژیم از دریا
یک فروند پهپاد اوربیتور رژیم صهیونیستی در تور صیادان بوشهری از خلیج فارس خارج شد.

محاصره نظامی تنگه هرمز، آخرین امید تحلیلگران برای کاهش قیمت نفت را بر باد داد. او اعلام کرد که نیروی دریایی آمریکا هرگشتی که به ایران عوارض پرداخت کند را توقیف می‌کند. این در حالی است که تنها یک روز پیش، ترامپ از بازگشایی قریب الوقوع تنگه خبر داده بود.

پس از اعلام آتش بس ۲ هفته‌ای و موافقت مشروط ایران با بازگشایی تنگه، قیمت نفت برنت حدود ۱۱ درصد کاهش یافته و به ۹۷ دلار رسیده بود. تحلیلگران امیدوار بودند با تداوم این روند، قیمت‌ها به سطوح پایین‌تری بازگردند. اما تهدید جدید ترامپ برای تشدید تنش‌ها و بستن نظامی تنگه، نه تنها این امید را کور کرد، بلکه چشم‌انداز افزایش چندبرابری قیمت نفت را پیش روی بازار قرار داده است.

یادداشت

مذاکرات اسلام‌آباد؛ روایت تداوم بازدارندگی

ادامه سرمقاله صفحه یک... در این میان، یک تفاوت اساسی شکل گرفت؛ تفاوتی که باید آن را نقطه عطف دانست. تیم مذاکره‌کننده ایران، این بار مذاکره را به میدان فرسایش نکشاند. اجازه داده نشد کشور در فضای انتظار بی پایان و امیدهای واهی معطل بماند. مسیر روشن بود: گفت‌وگو تا جایی که منطق اقتضا کند، نه یک گام بیشتر. این یعنی بلوغ در دیپلماسی؛ یعنی فهم دقیق نسبت میان «مذاکره» و «واقعیت».

ایران با دست خالی به میز مذاکره نیامده بود. پشت این گفت‌وگو، یک ملت ایستاده بود؛ ملتی که در میدان، هزینه داده، ایستادگی کرده و عقب ننشسته است. خواسته‌های ایران نیز روشن و شفاف بود؛ یک بسته کامل، یک نقشه راه، نه یک فهرست پراکنده. این یعنی ایران، دیگر صرفاً بازیگر نیست؛ طراح قواعد بازی است.

و در این میان، نقش مردم، چیزی فراتر از یک پشتوانه معمولی است. این همان سرمایه‌ای است که معادلات را تغییر می‌دهد. همان‌گونه که در میدان، پشتیبان زرمندگان بودند، در عرصه دیپلماسی نیز پشت فرزندان خود ایستادند. این وحدت، همان نقطه‌ای است که دشمن از درک آن ناتوان است.

اکنون، در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که نه صلح به طور کامل محقق شده و نه جنگ به طور کامل پایان یافته است. این، یک آتش بس ناپایدار در دل یک رقابت بزرگ است. در چنین شرایطی، آنچه تعیین‌کننده است، ابزار قدرت است؛ و در میان این ابزارها، یک نام بیش از همه می‌درخشد: تنگه هرمز.

هرمز، دیگر فقط یک گذرگاه نیست؛ یک پیام است—پیام تبدیل جغرافیا به قدرت، و قدرت به اراده. تازمانی که این اهرم در اختیار ایران است، مسیر تحقق مطالبات ملت، صرفاً به میز مذاکره محدود نمی‌ماند. اگر در گفت‌وگو نتیجه حاصل نشود، ابزارهای دیگری برای تنظیم معادله وجود دارد و این ظرفیت فراهم است که بخشی از مطالبات، از طریق تنظیم هزینه‌ها در این گذرگاه حیاتی جهانی، محقق شود.

در جمع بندی، مذاکرات اسلام‌آباد نه پایان یک راه، بلکه پایان یک مرحله از مدیریت هوشمند بحران و آغاز مرحله‌ای جدید در امتداد میدان بود؛ مرحله‌ای که در آن، ایران نشان داد می‌تواند مذاکره کند، اما نه از موضع ضعف؛ می‌تواند گفت‌وگو کند، اما نه به قیمت عبور از حقوق خود؛ و مهم‌تر از همه، نشان داد که ابزارهای متنوعی برای ادامه مسیر در اختیار دارد.

و در نهایت، این حقیقت باقی می‌ماند: ایران اهل مذاکره است، اما هرگز اهل تسلیم نیست.

خبر کوتاه

سردار حسن زاده: خیابان‌ها در تصرف ملت غیور ایران است

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ: دشمن دیر فهمید که مولفه‌های قدرت ملت بزرگ ایران و جبهه مقاومت، متعدد، متفاوت و ماندگار است. وی افزود: به دشمن توصیه می‌کنم سعی نکند با مابقی قدرت بازدارنده، توان موشکی و دفاعی ملت ما را بیازماید. باید به دشمن بفهمانیم که تا سر جای خود بنشیند؛ این خیابان‌ها در تصرف این ملت غیور است.

عدد خبر ۱۴۰ دلار

بلومبرگ نوشت: بازار جهانی نفت باموجی از اضطراب و رقابت شدید برای تأمین محموله‌های فیزیکی روبرو شده و نشانه‌هایی از کمبود عرضه در کوتاه‌مدت دیده می‌شود. معامله‌گران و پالایشگاه‌ها در جهان به طور فزاینده‌ای در تلاش‌اند تا نفت خام آماده تحویل فوری را تأمین کنند که باعث ایجاد رقابتی بی‌سابقه و حتی ناامیدانه در بازار شده است. در منطقه دریای شمال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های بازار فیزیکی نفت، شرایط به‌وضوح بحرانی‌تر شده است. از میان ۴۰ پیشنهاد خرید ثبت‌شده در هفته گذشته، تنها ۴ مورد با عرضه واقعی مواجه شده‌اند. همچنین برخی محموله‌های نفتی برای تحویل در هفته‌های آینده، با قیمت‌هایی فراتر از ۱۴۰ دلار به ازای هر بشکه معامله می‌شود.

عدد خبر ۵۱ هزار میلیارد ریال

داده‌های مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس نشان می‌دهد، رونق تدریجی معاملات و ورود بیش از ۵۱ هزار میلیارد ریال نقدینگی به بازار روی داده است. براساس داده‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از ۱۷ اسفند تا ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ خالص خرید سهام‌داران حقیقی در صندوق‌های سرمایه‌گذاری فعال به مثبت ۵۱۰۷۳۴ میلیارد ریال رسید. ۹ اسفند ۱۴۰۴ بار دیگر ایران در میانه مذاکرات مورد تهاجم خصمانه دشمن قرار گرفت و این تهاجم تا ۱۹ فروردین با اعلام آتش‌بس دو طرفه ادامه یافت و بازار سهام تعطیل شد. در این دوره، خالص خرید سهام‌داران حقیقی در صندوق‌های درآمد ثابت قابل‌معامله مثبت ۱۷۷ هزار و ۶۲۷ و در صندوق‌های کالایی منفی ۱۲۵ هزار و ۸۹۳ میلیارد ریال بود.

عدد خبر ۱۰۰ میلیارد دلار

عضو هیئت عامل صندوق توسعه ملی اعلام کرد که طلب صندوق توسعه ملی از دولت کمتر از ۱۰۰ میلیارد دلار است. اگر دولت به‌موقع این منابع را بدهد، صندوق می‌تواند دوباره به سرمایه‌گذاران خصوصی و تعاونی پرداخت کند و بعد از بهره‌برداری از طرح‌ها، اقساط صندوق توسعه ملی را بازیافت کند. سید علیرضا میرمحمد صادقی افزود: قرار است یک یا چند میدان مشترک نفتی در اختیار صندوق قرارگیرد که بعد از بهره‌برداری، از محل ازدیاد تولید و فروش نفت، طلب از دولت تسویه شود. به گفته وی، میدان مشترک آزادگان در اختیار کنسرسیوم مربوطه که صندوق توسعه ملی عضو آن است، قرار نگرفته است. قرار است، ۱۰ میلیارد دلار برای افزایش تولید و جلوگیری از کاهش فشار میدان سرمایه‌گذاری شود.

عدد خبر ۲۰ میلیون ایران

معاون اقتصادی وزیر امور اقتصادی و دارایی از طراحی کارت اعتبار خرید برای ۲۰ میلیون ایرانی خبر داد و گفت: در این طرح برای یک خانوار ۴ نفره بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان تسهیلات با سود کمتر از ۵ درصد با بازه ۶ ماهه پرداخت شود. مرتضی زمانی‌ان افزود: افراد با این مبالغ می‌توانند از کالاهای با دوام مانند لوازم خانگی از فروشگاه‌های مشخص خریداری کنند. طرح کارت اعتباری خرید ظرف یک دو هفته آینده آغاز می‌شود و جزئیات آن به‌زودی به اطلاع مردم خواهد رسید. به گفته او، طرح اعتبار خرید علاوه بر افزایش قدرت خرید خانوارهای ایرانی می‌تواند به تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدکننده کالای بادوام نیز کمک کند.

سی‌ان‌ان گزارش داد:

فشار مضاعف بر معیشت آمریکایی‌ها پس از جنگ ایران

تحلیلگران می‌گویند: تنش‌های سیاسی و نظامی در منطقه خلیج فارس، به‌ویژه در ایران، باعث اختلال در زنجیره تأمین جهانی شده و این موضوع منجر به افزایش هزینه‌ها برای مصرف‌کنندگان آمریکایی شده است. با توجه به وضعیت کنونی، انتظار می‌رود که این روند ادامه پیدا کند و فشار بیشتری بر روی خانوارها وارد آورد.

قیمتی از بخش انرژی به سایر بخش‌های اقتصاد است. به بیان دیگر، اگرچه قیمت بنزین به‌سرعت به تحولات بازار واکنش نشان می‌دهد، اما قیمت کالاها و خدمات با فاصله زمانی افزایش می‌یابد و همین امر باعث ماندگاری تورم می‌شود.

این روند به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد نگران‌کننده است. طبق برآورد‌ها، برخی خانوارها در آمریکا ناچارند تا ۵۰ درصد درآمد خود را صرف تأمین مواد غذایی کنند. در چنین شرایطی، افزایش هزینه‌های گرمایش، حمل‌ونقل و سایر نیازهای اساسی، فشار مضاعفی بر بودجه این خانوارها وارد می‌کند و خطر گسترش نابرابری اقتصادی را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، دولت آمریکا برای مهار افزایش قیمت‌ها اقدام به آزادسازی بخشی از ذخایر راهبردی نفت کرده است. وزارت انرژی این کشور اعلام کرده که میلیون‌ها بشکه نفت در اختیار شرکت‌های بزرگ قرار داده تا از شدت افزایش قیمت‌ها کاسته شود. این اقدام بخشی همکاری کشورهای عضو

آژانس بین‌المللی انرژی برای تزریق صدها میلیون بشکه نفت به بازار جهانی است. با این حال، کارشناسان معتقدند این سیاست‌ها بیشتر اثر کوتاه‌مدت دارد و نمی‌تواند ریشه‌های اصلی تورم را برطرف کند.

نهاد‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی نیز نسبت به پیامدهای این بحران هشدار داده‌اند و جنگ رمضان را سومین شوک بزرگ به اقتصاد جهانی پس از همه‌گیری کرونا و جنگ اوکراین توصیف کرده و پیش‌بینی رشد اقتصادی را کاهش داده است. همچنین نسبت به افزایش تورم و تشدید فشار بر کشورهای در حال توسعه هشدار داده است. مقامات ارشد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اعلام کردند که به دنبال این جنگ، پیش‌بینی خود از رشد اقتصاد جهانی را کاهش و پیش‌بینی تورم را افزایش خواهند داد.

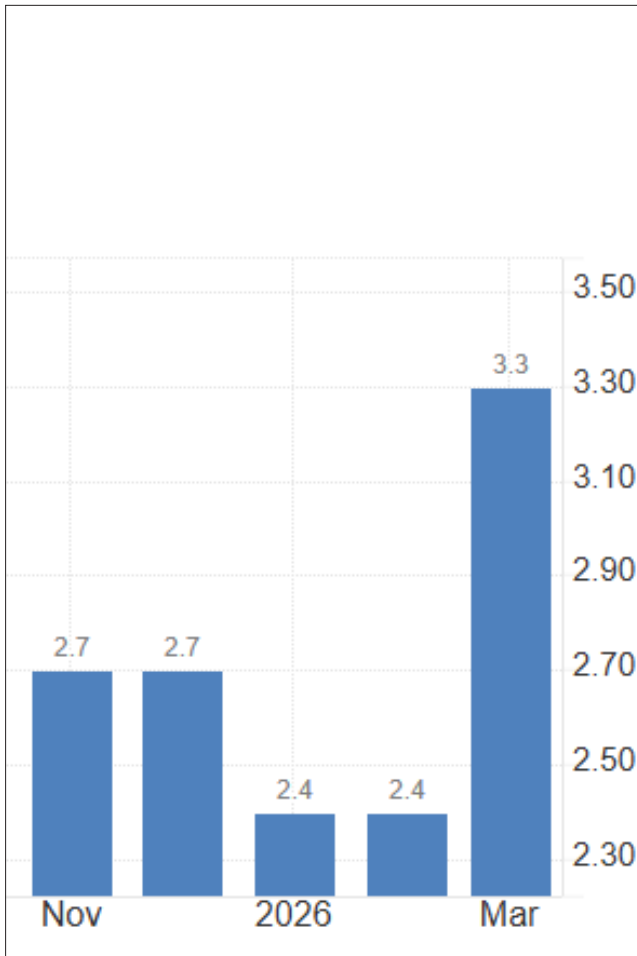
هزینه‌های زندگی، اکنون به یکی از چالش‌های اصلی خانوارهای آمریکایی تبدیل شده است؛ چالشی که حتی در صورت کاهش تنش‌ها نیز به این زودی فروکش نخواهد کرد.

در همین زمینه قیمت بنزین در آمریکا از مرز ۴ دلار به‌ازای هر گالون عبور کرده و در برخی ایالت‌های آمریکا حتی به سطوحی نزدیک به ۶ دلار رسیده است؛ افزایشی که به‌تنهایی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهش شاخص قیمت مصرف‌کننده داشته است. داده‌ها نشان می‌دهد تورم ماهانه در مارس ۲۰۲۶ با رشد ۰.۹ درصدی به ۳.۳ درصد رسیده که بالاترین سطح در نزدیک به دو سال اخیر محسوب می‌شود. نکته قابل توجه آن است که بخش عمده این افزایش مستقیماً ناشی از رشد قیمت سوخت بوده است.

سرایت گرانی به سفره خانوارهای آمریکایی

با این حال، اثرات تورمی جنگ تنها به بازار انرژی محدود نمانده است. افزایش بهای گاز و تیل، هزینه حمل‌ونقل کالا را بالا برده و همین موضوع به رشد قیمت مواد غذایی در فروشگاه‌ها منجر شده است. شرکت‌های حمل‌ونقل برای جبران هزینه‌های خود، نرخ‌های بالاتری مطالبه می‌کنند و این افزایش، در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. در نتیجه، خانوارهایی که پیش‌از این نیز با فشارهای اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کردند، اکنون با شرایط دشوارتری مواجه شده‌اند.

در همین راستا، سی‌ان‌ان نوشت حتی در سناریوهای خوش‌بینانه از جمله برقراری آتش‌بس میان ایران و آمریکا و بازگشایی تنگه هرمز-روند افزایش قیمت‌ها در آمریکا برای ماه‌ها ادامه خواهد داشت. دلیل این موضوع، تأخیر زمانی در انتقال شوک‌های



محسن نظری

روزنامه‌نگار



قیمت بنزین آمریکا رکورد ۱۰ ساله را شکست

بر اساس گزارش مجله فوربز، تأثیرات تورمی ناشی از جنگ علیه ایران باعث شده تا قیمت انرژی، به‌ویژه بنزین، در ماه مارس با بیشترین افزایش از سال ۲۰۰۵ روبرو شود. این وضعیت به رشد بی‌سابقه شاخص قیمت مصرف‌کننده منجر شده و فشار مضاعفی بر هزینه‌های خانوارها وارد کرده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، وقتی تصمیم گرفت میز مذاکره با ایران را ترک کند و گزینه تقابل نظامی را انتخاب کند، هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد که امروز اثر این تصمیم، سفره نه‌تنها آمریکایی‌ها، بلکه مردم دنیا را کوچک‌تر کند. در شرایطی که بسیاری از آمریکایی‌ها با چالش‌های مالی مواجه هستند، این افزایش هزینه‌ها می‌تواند به نارضایتی عمومی دامن بزند و بر تصمیمات اقتصادی دولت تأثیرگذار باشد. کارشناسان توصیه می‌کنند که دولت باید تدابیر لازم را برای کاهش اثرات منفی این شرایط اتخاذ کند تا از بروز بحران‌های اجتماعی و اقتصادی جلوگیری شود.

گزارش سی‌ان‌ان نشان می‌دهد که جنگ علیه ایران نه‌تنها معادلات ژئوپلیتیکی را دگرگون کرده، بلکه به‌طور مستقیم و گسترده بر اقتصاد آمریکا نیز اثر گذاشته است. افزایش قابل توجه قیمت انرژی، اختلال در زنجیره‌های تأمین و رشد

خبر کوتاه

پس‌لرزه‌های جنگ رمضان در بازار طلا

محمد کشتی‌آری، عضو هیئت رئیسه کمیسیون تخصصی طلا و جواهراتاق اصناف ایران به تحلیل تحولات اخیر بازار طلا در ابعاد جهانی و داخلی پرداخت و عوامل کاهشی شدن قیمت این فلز گرانبها را تشریح کرد. او با اشاره به حمله آمریکا و اسرائیل به ایران و آغاز جنگ رمضان گفت: نوسانات رخ داده در بازارهای بین‌المللی و داخلی برخلاف الگوهای شناخته‌شده و فرمول‌های قبلی بود و بسیاری از پیش‌بینی‌ها با واقعیت‌های جدید جنگ همخوانی نداشت. به گفته کشتی‌آری، همان‌طور که ماهیت این درگیری با جنگ‌های گذشته تفاوت داشت، مولفه‌های اقتصادی اثرگذار بر بازارهای مالی نیز دچار تغییر شده بود.

رئیس پیشین اتحادیه طلا و جواهر خاطر نشان کرد: با وجود اینکه در حال حاضر در آتش‌بس دو هفته‌ای قرار داریم، اما این جنگ نه‌تنها یک جنگ منطقه‌ای نبود؛ بلکه جنگی است که اثراتی کاملاً جهانی داشت و در تمام مسائل اقتصادی و روزمره همه مردم جهان اثرگذار بود؛ به طوری که قیمت اونس طلای جهانی از زمان آغاز جنگ و حمله آمریکا به ایران، حدود ۸۰۰ دلار کاهش داشت، اما چشم‌انداز آن بستگی به روند مذاکرات آتش‌بس دارد.

وی تصریح کرد: از مسائلی که در جنگ اخیر بر بازار طلا اثرگذار بود، مربوط به مسئله نفت و قیمت انرژی در سطح جهانی بود، حتی حمله و تجاوز آمریکا به ایران، اثرات سنگینی بر اقتصاد آمریکا و اروپا بر جای گذاشت که باعث شد اتفاقات بعدی از جمله کاهش قیمت طلا در سطح جهانی و ریزش اونس جهانی طلا، رقم بخورد.

کشتی‌آری افزود: حتی برخی پیش‌بینی‌های جهانی حاکی از آن بود که با احتمال وقوع جنگ، نه‌تنها نفت گرانبها خواهد شد، بلکه طلا هم گران خواهد شد؛ اما شاهد بودیم که بخش قابل توجهی از تحلیل‌ها، محقق نشد و در ایران و بازار داخلی نیز مولفه‌های جدیدی امروز اثرگذار بودند که باعث شد روند بازار به دور از پیش‌بینی‌ها باشد.

این کارشناس صنعت طلا دربارہ احتمال افزایشی شدن قیمت طلا در چشم‌انداز آینده و تلاش برای رسیدن نرخ طلا به نرخ تورم گفت: به نظر نمی‌رسد که شاهد افزایش چشمگیری در بازار طلا در داخل کشور باشیم؛ چراکه شوهر حاکی از کاهش نقدینگی است و این کاهش نقدینگی در صورت تداوم از جهش قیمت طلا جلوگیری می‌کند؛ اما اگر داد و ستد‌ها به حالت اولیه باز گردد و جریان و گردش نقدینگی و سرمایه افزایش پیدا کند، می‌توانیم انتظار افزایش قابل توجه قیمت طلا در بازار را داشته باشیم.

ژئوپلیتیک انرژی؛

چرا آمریکا هرمز را رهانمی‌کند؟

کنترل تنگه هرمز برای آمریکا مسئله‌ای حیثیتی و راهبردی به‌شمار می‌رود. از دست دادن تسلط بر این گذرگاه حیاتی، به‌معنای کاهش قدرت آمریکا در بازار انرژی محسوب

می‌شود اما برای ایران، نه صرفاً یک آبراه، بلکه یک «سلاح فراهسته‌ای» است؛ سلاحی که توانایی کشاندن اقتصاد آمریکا به یک چالش مخرب و بی‌سابقه را دارد.



حمیدرضا مقصدی

کارشناس مسائل اقتصادی

پرسشی بنیادین مطرح این است که چرا آمریکا تا این حد برای تسلط بر تنگه هرمز تقلا می‌کند و حاضر است برای آن دست به هر اقدامی بزند؟ برای درک اهمیت این شاه‌کلید ژئوپلیتیک جهان، باید به زبان دقیق اعداد و اقتصاد رجوع کرد. با بررسی روند یک قرن گذشته، از سال‌های ۱۹۲۶ تا به امروز که در سال ۲۰۲۶ میلادی به سر می‌بریم، به‌طور میانگین افزایش قیمت نفت سالانه ۰.۰۵ درصد بوده است؛ رقمی بسیار نزدیک به صفر بوده است. این در حالی است که قیمت دلاری کالاها در همین بازه زمانی، به‌طور متوسط سالانه ۱.۵ درصد افزایش یافته است.

این تقابل آماری دلالت‌های عمیقی دارد. نخست حفظ ارزش دلار آمریکا همواره با میکروب شدن بهای نفت انجام شده، در حالی که سایر کالاها مسیر تورمی خود را طی کرده‌اند. اگر قرار بود قیمت نفت نیز متناسب با تورم جهانی سایر کالاها رشد کند، امروز بهای هربیشه طلای سیاه (بر اساس محاسبه تک متغیره) باید در محدوده ۵۵۰ دلار باشد. البته واقعیت اقتصاد پیچیده‌تر است؛ با در نظر گرفتن اثرات شبکه‌ای و دومینوی قیمت‌ها (چرا که گرانی انرژی، موجی فزاینده از تورم در تمامی کالاها ایجاد می‌کند)، بهای واقعی نفت امروز رقمی می‌بایست ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ دلار می‌بایست برآورد شود.

دنیای استعمار طی این یک قرن با کنترل شاهراه‌ها به خصوص تنگه‌های محل عبور انرژی مانند تنگه هرمز (قلب تپنده تولید و ترانزیت انرژی جهان)، توانسته قیمت نفت را با ثبات نگه دارد. پاشنه آشیل اقتصاد آمریکا، دومینوی شوک‌های قیمتی نفت است. اگر کنترل قیمت نفت از دست آمریکا خارج شود، اقتصادش گرفتار تورم‌های سهمگین و بی‌سابقه خواهد شد. لذا آمریکا با

حربه‌های اقتصاد سیاسی، سلطه بر چاه‌های نفت منطقه، استقرار پایگاه نظامی در کنار ذخایر نفتی، قیمت انرژی را به سود خود تثبیت کرده است. از این رو، کنترل تنگه هرمز برای آمریکا صرفاً یک موضوع ژئوپلیتیکی نیست، بلکه مسئله‌ای حیثیتی و راهبردی به‌شمار می‌رود. از دست دادن تسلط بر این گذرگاه حیاتی، به‌معنای کاهش قدرت آمریکا در مدیریت و جهت‌دهی به قیمت جهانی نفت است؛ موضوعی که می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای اقتصاد این کشور و به‌طور کلی اقتصاد غرب به همراه داشته باشد.

در چنین شرایطی، اگر ساختار قدرت در کشورهای تولیدکننده نفت در اختیار بازیگرانی قرار گیرد که منافع ملی خود را بر مبنای قیمت واقعی انرژی تعریف کنند، معادلات اقتصادی به‌طور قابل توجهی تغییر خواهد کرد، زیرا افزایش قیمت نفت منجر به تضعیف اقتصاد آمریکا خواهد شد. نتیجه چنین روندی، شکل‌گیری بحران انرژی در غرب و به تبع آن، کاهش ارزش پول‌های ملی و بی‌ثباتی اقتصادی خواهد بود؛ بحرانی که خروج از آن بسیار دشوار و پرهزینه است.

از این منظر، تنگه هرمز برای ایران، نه صرفاً یک آبراه، بلکه یک «سلاح فراهسته‌ای» است؛ سلاحی که توانایی کشاندن اقتصاد آمریکا به یک چالش مخرب و بی‌سابقه را دارد. سلطه بر این تنگه، در حقیقت سلطه بر نظام قیمت‌گذاری انرژی در جهان است. به همین دلیل، اهمیت این تنگه برای آمریکا بسیار فراتر از یک مسیر ترانزیتی ساده است. در همین چارچوب، حضور گسترده نظامی آمریکا در منطقه و ایجاد ده‌ها پایگاه مجهز، قابل تحلیل است. این سطح از استقرار نظامی، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این منطقه در راهبرد کلان انرژی و امنیت اقتصادی آمریکاست.

نفت نیز مانند سایر کالاها باید متناسب با تورم جهانی و افزایش هزینه‌ها، رشد

قیمتی داشته باشد. با این حال، تحت نفوذ و مدیریت ساختارهای بین‌المللی، از جمله سازوکارهایی مانند اوپک و اوپک پلاس، کنترل قیمت نفت در مسیری متفاوت هدایت شده است. برخلاف تصور رایج اوپک‌ننه برای افزایش قیمت نفت (چنانکه در ظاهر گفته می‌شود)، بلکه به عنوان ابزاری برای کنترل و مهار قیمت نفت توسط غرب پایه‌گذاری و هدایت شده است. در صورتی که این ابزارهای کنترلی از اختیار آمریکا خارج شود، توازن قدرت در بازار انرژی به‌طور جدی تغییر خواهد کرد؛ وضعیتی که برای اقتصاد آمریکا به‌شدت چالش‌برانگیز و حتی غیرقابل تحمل است.

بر همین اساس تنگه هرمز در شرایط کنونی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن، باید با دقت، حساسیت و در نظر گرفتن تمامی ابعاد راهبردی صورت بگیرد. این موضوع، بخشی از و ضرورت دارد در هرگونه مذاکره یا تعامل، با نهایت دقت و صیانت از منافع ملی مورد توجه قرار گیرد. با درک این مختصات، مذاکره‌کنندگان ما در کارزارهای دیپلماتیک باید بدانند که این امتیاز کلیدی را نباید ارزان معامله کنند. حفظ این اهرم قدرت، خط قرمز قطعی ایران باید باشد؛ همان‌گونه که رهبر شهید انقلاب پیش‌بینی کرده‌اند که در تنگه هرمز نظم جدیدی تثبیت خواهد شد که کنترل آن را از دست قدرت‌های بیگانه خارج می‌سازد.

در مذاکرات اسلام‌آباد نیز کشمکش‌ها و بحث حول همین مسئله بود؛ یعنی تنگه هرمز. این تنگه، بزرگ‌ترین مزیت ایران و به‌نوعی عامل مهارکننده آمریکا محسوب می‌شود. تنگه هرمز حکم یال اسب وحشی را دارد و سوارکار برای رام کردن اسب، یال او را با تمام قدرت در چنگ می‌گیرد. اکنون ایران در موقعیت همان سوارکار قرار دارد که یال اسب، یعنی تنگه هرمز را در دست گرفته و این اسب وحشی، یعنی آمریکا را می‌خواهد رام کند. ایران نباید این یال را رها کند.

گزارش

فشارهای درون دولت مانع ابلاغ افزایش دستمزد کارگران

شورای عالی کار روز ۲۴ اسفندماه سال گذشته افزایش حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۵ را ۶۰ درصد تصویب کرد. طبق این مصوبه افزایش سایر سطوح مزدی ۴۵ درصد به علاوه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تعیین شد. اعضای شورای عالی کار همچنین مبلغ کمک هزینه مسکن کارگران را ۳ میلیون تومان تصویب کردند که جهت اجرا پس از تصویب در هیئت وزیران از سال آینده در فیش حقوقی کارگران اعمال خواهد شد.

اکنون با گذشت ۲۴ روز از آغاز سال جدید، هنوز خبری از ابلاغ مصوبه شورای عالی کار از سوی احمد می‌دری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیست. البته می‌دری روز اول فروردین اعلام کرد: بخشنامه دستمزد سال ۱۴۰۵ کارگران که آ‌اسفند پارسال به تصویب شورای عالی کار رسید، بعد از اتمام تعطیلات ابلاغ خواهد شد.

در همین زمینه محسن باقری، نماینده کارگران در شورای عالی کار گفت: البته فکر می‌کنیم علت تأخیر در ابلاغ مصوبه مزد، عدم تصویب حق مسکن در هیئت دولت است. با این حال تعلل وزارت کار در ابلاغ مصوبه دستمزد به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. او افزود: البته این موضوع برای کارمندان دولت و مستمیری بگیران صندوق‌های دیگر ابلاغ شده و بحث حقوق و دستمزد و مستمیری این دسته از شاغلان ابلاغ و افزایش حقوق و دستمزد آن‌ها برای سال جدید تعیین تکلیف شده است اما برای کارکنان بخش خصوصی این اتفاق هنوز نیفتاده و امیدواریم افزایش حق مسکن باشیم و واحدهای تولیدی بخش خصوصی از بلا تکلیفی خارج شوند. باقری گفت: قانون می‌گوید تعیین تکلیف دستمزد با شورای عالی کار است و وزارت کار مکلف است بی‌قید و شرط آن را ابلاغ کند؛ این تعلل در زمان جنگ اصلاً پذیرفته نیست.

میثم ظهوریان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار نوبت‌نویس در مورد عدم ابلاغ مصوبه افزایش دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۵، گفت: فشارهایی از سوی برخی دستگاه‌ها مانند سازمان برنامه و بودجه کشور وجود دارد و همان استدلال‌هایی که سال‌های گذشته هم از سوی مخالفان افزایش دستمزد به میزان تورم مطرح می‌شد دوباره تکرار می‌شود. استدلال‌های نادرست مانند اینکه افزایش مزد کارگران باعث تورم یا بیکاری می‌شود. این فشارها به وزارت کار هم وارد شده و تا این لحظه باعث شده ابلاغ مصوبه به تعویق بیفتد.

وی افزود: برخی در دولت در تلاش هستند تا میزان افزایش دستمزد تغییر کند که در واقع با این روند، اصل سه جانبه‌گرایی که مبنای تصمیم‌گیری در شورای عالی کار است زیر سؤال می‌رود. این اقدام از نظر قانون تخلف محسوب می‌شود؛ زیرا در شورای عالی کار سه ضلع کارگران، کارفرمایان و دولت حضور دارند.

این نماینده مجلس تأکید کرد: نرخ تورم واقعی بسیار بالاتر از میزان افزایش دستمزد کارگران است. تورم نقطه‌به‌نقطه حتی بالای ۷۰ درصد رسیده است. در مقابل، افزایش حقوق کارگران به‌طور متوسط حدود ۴۵ درصد و برای حداقل بگیران ۶۰ درصد در نظر گرفته شده است. ظهوریان تصریح کرد: وقتی افزایش دستمزد کمتر از نرخ واقعی تورم باشد، در عمل فشار تورم و مشکلات اقتصادی بر دوش طبقه کارگر قرار می‌گیرد؛ یعنی بار مشکلات اقتصادی کشور به شکل مستقیم به کارگران منتقل می‌شود.

تنش‌ها در هرمز و کمبود غذای ارزان

فایننشال تایمز نوشت: تنش‌های نظامی در تنگه هرمز که به بسته شدن این آبراه کلیدی انجامید، شوک کم‌سابقه‌ای به زنجیره تأمین جهانی انرژی و کودهای شیمیایی وارد کرد که قیمت نفت برنت از ۱۱۰ دلار در هر بشکه عبور کرد و بهای اوره نیز تا ۷۰ درصد افزایش یافت. با وجود اعلام آتش‌بس و آغاز تلاش‌ها برای بازگشایی مسیرهای کشتیرانی، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد اعلام کرد که حدود ۱.۹ میلیون تن انواع کود

روی ده‌ها کشتی در منطقه انباشته شده است. در همین حال، شرکت‌های بیمه و کشتیرانی همچنان نسبت به عبور از این منطقه اطمینان کامل ندارند و هزینه بیمه جنگی در سطح بالایی باقی مانده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد جهان اکنون با کمبود غذای ارزان روبه‌روست؛ چراکه افزایش هزینه‌های تولید، به‌ویژه کود و انرژی، نهایتاً به شکل رشد قیمت مواد غذایی بر مصرف‌کنندگان تحمیل خواهد شد.

بین الملل

ونس؛ منفورترین معاون رئیس جمهور آمریکا در تاریخ

شبکه آمریکایی CNN در گزارشی به بررسی وضعیت جی دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا در میان دیگر معاون رئیس جمهورهای پیشین آمریکا پرداخت و اظهار داشت: ونس با کسب جایگاه منفورترین معاون رئیس جمهور در تمام دورانها تاریخساز شد این شبکه خبری افزود: دولت ترامپ در حال شکستن رکورد ها خصوصاً رکورد منفور بودن است. سی ان ان در این گزارش تلویزیونی خاطر نشان کرد: جمع بندی نظرسنجی های موسسه رویبر نشان می دهد که محبوبیت ونس از سال گذشته تاکنون ۲۱ درصد کاهش یافته است. این شبکه همچنین بیان داشت: او در مقایسه با سایر معاونان ریاست جمهوری از نظر تاریخی با امتیاز ۱۸- بدترین جایگاه را از آن خود کرده است.

لازم به ذکر است که در این نظرسنجی موسسه رویبر که توسط سی ان ان مورد بررسی قرار گرفت، دیک چنی معاون جورج بوش پسر، بیشترین محبوبیت را با رقم ۳۷ درصد از آن خود کرده بود و پس از وی بایدن معاون اوباما، مایک پنس معاون ترامپ در دولت اول وی و کاملا هریس معاون بایدن در انتهای این نظرسنجی جی دی ونس قرار گرفته است. این منفوریت ونس در حالی است که وی در محافل آمریکایی بخت نخست جمهوری خواهان پس از ترامپ به حساب آمده و نظرات سیاسی وی کمتر به طیف تندرو دولت ترامپ نزدیک است. نظرسنجی اخیر موسسه رویبر نشانگر این است که جایگاه سیاسی ونس هم در سایه اقدامات دیوانه وار دولت ترامپ دچار خدشه شدید شده است.



جنگ ایران، به سیاست همراهی با آمریکا در جهان ضربه کاری زد؛

واشنگتن تنهاتر از همیشه

در پی تحولات ناشی از جنگ ایران و آمریکا، نشانه های فزاینده ای از تضعیف جایگاه جهانی واشنگتن و کاهش نفوذ آن بر متحدان سنتی اش به چشم می خورد؛ روندی که با فاصله گیری تدریجی اروپا از سیاست های آمریکا و بی اعتنائی به فشارها و تهدیدات این کشور، بیش از پیش آشکار شده است.

که اتاوا دیگر بخش عمده ای از بودجه دفاعی خود را صرف خرید تجهیزات و همکاری های نظامی با آمریکا نخواهد کرد. وی در کنوانسیون حزب لیبرال در آوریل ۲۰۲۶ تصریح کرد: «دورانی که ارتش کانادا ۷۰۱۰ سنت از هر دلار به ایالات متحده ارسال می کرد، به پایان رسیده است.»

این سخنان چند ماه پس از آن مطرح شد که کارنی وابستگی کشورش به تأمین کنندگان نظامی آمریکایی را «ناپایدار» توصیف کرده بود. او همچنین در سخنرانی خود در مونترال، این مقطع را «لحظه ای تحول آفرین» برای کانادا دانست و بر ضرورت شکل گیری یک رویکرد مستقل تر در سیاست های دفاعی و اقتصادی تأکید کرد.

مجموع این تحولات نشان می دهد آمریکا دیگر هیمنه ای که برای خود ساخته بود را با ایستادگی و سبلی سخت ایران از دست داده است. افزایش تمایل کشورها به اتخاذ سیاست های مستقل و نادیده گرفتن فشارهای واشنگتن، می تواند نشانه ای از شکل گیری موازنه های جدید و افول آمریکا در عرصه جهانی باشد.

در این میان، به ایستادگی و ضربه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در این روند مورد توجه تحلیلگران قرار گرفته است؛ روندی که به باور آنان، می تواند در بلندمدت به بازتعریف جایگاه قدرت ها در نظام بین الملل منجر شود و جایگاه ایران را بیش از پیش بالا ببرد.

آتش بس ۱۴ روزه میان تهران و واشنگتن، رهبران روسیه و چین همچنان فرصت دارند از آنچه «یکی از بزرگ ترین اشتباهات اخیر آمریکا در خاورمیانه» خوانده شده، بهره برداری کنند.

این گزارش تأکید می کند که اقدامات نظامی آمریکا و متحدانش، در چندین سطح به جایگاه واشنگتن در رقابت با قدرت های بزرگ قرن ۲۱ آسیب وارد کرده است.

در همین چارچوب، نشانه هایی از تغییر رفتار متحدان غربی آمریکا نیز قابل مشاهده است. یکی از نمونه های مورد توجه، سفر پدرو سانچز نخست وزیر اسپانیا به چین است. وی به تازگی برای گفت و گو درباره همکاری های دوجانبه وارد پکن شد و مورد استقبال شی جین پینگ قرار گرفت. این سفر در شرایطی انجام شد که دونالد ترامپ تهدید کرده بود در صورت عدم همراهی اسپانیا با سیاست های آمریکا در قبال ایران، روابط تجاری با این کشور را قطع خواهد کرد. با این حال، اقدام مادرید برای تقویت روابط با پکن، از سوی برخی ناظران به عنوان نشانه ای از کاهش تأثیرگذاری تهدیدات واشنگتن تعبیر شده است.

از سوی دیگر، در آمریکای شمالی نیز نشانه هایی از بازنگری در روابط دفاعی با ایالات متحده دیده می شود. «مارک کارنی»، نخست وزیر کانادا در اظهاراتی که بازتاب گسترده ای داشت، اعلام کرد



احسان میرباقری
روزنامه نگار

متن: در پی جنگ میان ایران و آمریکا، گزارش ها حاکی از آن است که ایستادگی ایران در برابر فشارها و اقدامات نظامی آمریکا، پیامدهای گسترده ای برای جایگاه جهانی واشنگتن به همراه داشته است. این تحلیل ها بر این نکته تأکید دارند که وارد آمدن خسارت هایی به منافع منطقه ای و اقتصادی آمریکا، از جمله آسیب به پایگاه ها و زیرساخت های مرتبط و همچنین متضرر شدن غرب به خصوص آمریکا در حوزه انرژی، موجب تضعیف هیبت پوشالی این کشور در عرصه بین المللی شده است.

حتی برخی رسانه های غربی نیز به پیامدهای این جنگ پرداخته اند. تارنمای آمریکایی **The Conversation** در گزارشی نوشت: هم زمان با برقراری یک



شکست ابهت آمریکا

گزارش ها حاکی از آن است که ایستادگی ایران در برابر فشارها و اقدامات نظامی آمریکا، پیامدهای گسترده ای برای جایگاه جهانی واشنگتن به همراه داشته است. این تحلیل ها بر این نکته تأکید دارند که وارد آمدن خسارت هایی به منافع منطقه ای و اقتصادی آمریکا موجب تضعیف هیبت پوشالی این کشور در عرصه بین المللی شده است.

یادداشت

پایان اتحاد یورو اتلانتیک نزدیک است

نوید شفیعی
روزنامه نگار

در سال های اخیر، سیاست آمریکا بیش از هر زمان دیگری رنگ و بوی محاسبه گری اقتصادی و سیاسی به خود گرفته است. رویکردی که به ویژه در دوران دونالد ترامپ به شکلی آشکار در قبال متحدان سنتی آمریکا، از جمله اتحادیه اروپا و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)، نمایان شد. بسیاری از تصمیم ها و تهدیدهای واشنگتن در این دوره نشان می داد که منطق منافع ملی و یکجانبه گرایی جایگزین تعهدات سنتی امنیت جمعی شده است.

یکی از نموده های این رویکرد، تهدیدهای مکرر ترامپ درباره خروج آمریکا از ناتو بود؛ تهدیدهایی که از سوی او با استدلال عدم مشارکت در جنگ های خصمانه ترامپ مطرح می شد.

در همین زمینه، اظهارات جو کنت، مدیر مستعفی مرکز مبارزه با تروریسم آمریکا، توجه بسیاری را جلب کرد. او در صفحه شخصی خود نوشت: «متأسفانه، خروج آمریکا از ناتو برای جلوگیری از درگیری های خارجی نخواهد بود، بلکه ناتو را ترک می کنیم تا وقتی ترکیه و اسرائیل نهایتاً در سوریه با هم درگیر شوند، بتوانیم در کنار اسرائیل باشیم.»

در مقابل، اتحادیه اروپا نیز به تدریج به این واقعیت پی برده است که سیاست های واشنگتن الزاماً با منافع بلندمدت اروپا همسو نیست. نمونه ای از این درک را می توان در احتیاط اروپا در قبال برخی بحران های منطقه ای مشاهده کرد. برای مثال، عدم مداخله مستقیم اروپا و ناتو در درگیری با ایران از سوی برخی ناظران نشانه ای از این رویکرد محتاطانه تلقی می شود؛ رویکردی که بر اساس آن، اروپا تلاش می کند از گرفتاری شدن در جنگ هایی که ممکن است بیش از همه به نفع بازیگران دیگر باشد، فاصله بگیرد.

تجربه جنگ روسیه و اوکراین نیز تا حدی این برداشت را تقویت کرده است. در این بحران، اگرچه اروپا نقش مهمی در حمایت از اوکراین ایفا کرد، اما در بسیاری از مراحل، ابتکار عمل سیاسی و راهبردی در دست واشنگتن قرار داشت. برخی تحلیلگران معتقدند این وضعیت باعث شد اروپا در جایگاه یک بازیگر اصلی، بخشی از قدرت تصمیم گیری خود را از دست بدهد و بیش از پیش تحت تأثیر سیاست های آمریکا قرار گیرد.

لذا می توان گفت اروپا امروز بیش از گذشته به دنبال تعریف جایگاه مستقل تری در نظام بین المللی است؛ چرا که عدم تمایل اروپا و ناتو برای ورود به جنگ با ایران نشان داد نه تنها می تواند بازیگری مستقل خود را ایفا کند بلکه از درگیری در یک جنگ منفعت طلبانه ای که ترامپ برای خود در نظر دارد و تاکنون فقط خسارت به بار آورده است دوری کند.

چرا مذاکرات باز هم شکست خورد؟

جزئیات جدید از مذاکرات اسلام آباد

آمریکایی را به نمایش گذاشت. این دور از گفت‌وگوها، نه تنها به توافق نینجامید، بلکه بار دیگر یک واقعیت قدیمی را برجسته کرد؛ شکاف اصلی نه در جزئیات فنی، بلکه در «ماهیت مطالبات» طرف آمریکایی است.

مذاکرات فشرده ایران و آمریکا در اسلام آباد، پس از حدود ۲۴ ساعت گفت‌وگو، به طرز ناگهانی و با اعلام شکست از سوی واشنگتن پایان یافت؛ پایانی شتابزده که بیش از هر چیز، تصویری عریان از سردرگمی و فقدان خواهی و فقدان اختیار در تیم



محسن فرهمند

روزنامه نگار

و محدودی شکل گرفته بود، اما پافشاری واشنگتن بر این مطالبات حداکثری، مسیر توافق را مسدود کرد.

در همین ارتباط، پایان ناگهانی مذاکرات و اظهارات بحث برانگیز جی دی ونس در کنفرانس خبری، بیش از هر چیز از یک آشفتگی ساختاری در تیم آمریکایی حکایت داشت. ونس در حالی با لحنی طلبکارانه، ایران را به «عدم تعهد به عدم ساخت سلاح هسته‌ای» متهم کرد که شواهد موجود، از جمله گزارش‌های رسانه‌های غربی، روایت متفاوتی ارائه می‌دادند. در همین راستا، انتقاد صریح میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه، که تیم آمریکایی را دچار «مشکل در الفبای دیپلماسی» توصیف کرد، تنها بخشی از واقعیتی بود که در پشت درهای بسته مذاکرات جریان داشت.

منابع نزدیک به گفت‌وگوها تأکید می‌کنند که تیم آمریکایی به دلیل تماس‌های مکرر با واشنگتن، عملاً فاقد اختیار لازم برای تصمیم‌گیری بود و بیشتر به «هیئت انتقال پیام» شباهت داشت تا یک تیم مذاکره‌کننده مستقل.

یکی دیگر از متغیرهای تعیین‌کننده در

شکست مذاکرات، نقش پررنگ تل آویو و شخص بنیامین نتانیاهو در جهت‌دهی به مواضع واشنگتن بود. حضور چهره‌هایی مانند استیو ویتکاف و جرد کوشنر در کنار ونس، به خوبی نشان داد که اتاق تصمیم‌گیری، فراتر از تیم رسمی مذاکره‌کننده عمل می‌کند.

در ادامه این بن‌بست، واشنگتن تلاش دارد با طرح تهدیدهایی نظیر «محاصره دریایی» یا افزایش فشارهای نظامی، همان مطالبات حداکثری را از مسیری دیگری تحمیل کند. با این حال، تجربه نشان داده چنین رویکردی نه تنها به نتیجه نمی‌رسد، بلکه می‌تواند به تشدید تنش در یکی از حیاتی‌ترین مناطق انرژی جهان منجر شود. تنگه هرمز، به‌عنوان شریان اصلی انتقال انرژی، در صورت هرگونه تنش، می‌تواند به نقطه آغاز یک بحران گسترده اقتصادی در سطح جهانی تبدیل شود؛ بحرانی که هزینه آن، پیش از همه متوجه خود آمریکا و متحدانش خواهد بود.

در نهایت می‌توان گفت مذاکرات اسلام آباد این پیام روشن را داشت که مسئله، «نبود توافق» نیست؛ مسئله، «نوع توافقی» است که آمریکا دنبال می‌کند. آمریکا همچنان به دنبال یک توافق تحمیلی است.

یادداشت

از «حاکمیت دریاها» تا «اسارت در آب‌ها»

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

قدرت‌های بزرگ تاریخ، پیش از آنکه بر خشکی‌ها سایه بیندازند، دریاها را در اختیار گرفته‌اند؛ این گزاره‌ای است که در ادبیات روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک بارها تکرار شده است. از همین منظر، تاریخ ابرقدرت‌ها را باید از مسیر آب‌ها خواند، نه صرفاً از دل خاک و مرزهای زمینی.

در آغاز عصر استعمار، این اسپانیا و پرتغال بودند که با تکیه بر ناوگان‌های دریایی، افق‌های جدیدی از سلطه را گشودند. پس از آن، هلند و در ادامه، انگلستان در عصرویکتوریایی، با تبدیل دریا به «بزرگراه امپراتوری»، مستعمراتی گسترده در چهار گوشه جهان بنا نهاد. این مسیر در قرن بیستم با ظهور دوا بر قدرت جدید ادامه یافت؛ ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، هر یک به سبک خود، قدرت دریایی عظیمی را شکل دادند که امکان «حضور جهانی» را برایشان فراهم می‌کرد.

با این حال، آمریکا به دلیل برتری در ناوگان‌های فرامنطقه‌ای و انعطاف‌پذیری عملیاتی، دست بالاتر را در این رقابت داشت. این برتری دریایی نه تنها حفظ شد، بلکه به ابزار اصلی مداخله‌گری آمریکا بدل گشت. از اروپا تا آسیا و از شمال آفریقا تا خاورمیانه، ردپای ناوهای آمریکایی در جنگ‌هایی چون عراق، افغانستان و لیبی دیده می‌شود؛ جنگ‌هایی که بدون اتکای به قدرت دریایی، اساساً امکان تحقق نداشتند.

جنگ ۲۰۲۶ آمریکا و اسرائیل با ایران، نقطه عطفی در این معادله تاریخی رقم زد. برای نخستین بار، آنچه «بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان» خوانده می‌شد، در میدان دریا دچار نوعی اسارت عملیاتی شد. اگرچه نشانه‌های اولیه این آسیب‌پذیری در تقابل با یمن نیز دیده شده بود، اما در مواجهه با ایران، این ضعف به‌صورت عریان نمایان شد. ناوهای هواپیمابر، این نمادهای اعمال قدرت دریایی، در برابر موشک‌های ضدکشتی ساحلی، تاکتیک‌های نامتعارف و مین‌ریزی دریایی، عملاً از ایفای نقش مؤثر بازماندند.

در کنار این، ناتوانی آمریکا در بازگشایی تنگه هرمز، ضربه‌ای مضاعف بر همین دریایی این کشور وارد کرد. علی‌رغم تهدیدهای تند و پرطمطراق، واشنگتن در عمل نتوانست این گلوگاه راهبردی را باز کند؛ نشانه‌ای آشکار از فرسایش قدرتی که زمانی خود را «حاکم بلامنازع دریاها» می‌دانست. در روزهای اخیر نیز تلاش برای القای سناریوی «محاصره دریایی ایران» بیش از آنکه نمایش قدرت باشد، بازتابی از بن‌بست راهبردی آمریکاست. چراکه چنین اقدامی، با توجه به سهم بالای خلیج فارس در صادرات جهانی نفت، می‌تواند به بحران در اقتصاد بین‌الملل همان پاشنه آشیل آمریکا منجر شود.

بر این اساس، جنگ اخیر را باید نه فقط یک درگیری نظامی، بلکه نقطه گسست در یک سنت دیرینه دانست؛ شاید مهم‌ترین پیام این تحولات آن باشد که «قدرت دریایی» دیگر تضمین‌کننده «سلطه جهانی» نیست؛ به ویژه آنجا که با الگوهای نوین، ساحلی و نامتعارف به چالش کشیده شود. این همان جایی است که تاریخ، برای نخستین بار، روایت «اسارت بزرگ‌ترین قدرت دریایی جهان در دریا» را به ثبت رسانده است.

محاصره دریایی ایران و مرگ سیاسی ترامپ

تهدیدهای جدید درباره تشدید حملات یا محاصره دریایی ایران، چیزی جز بازی با آتش نیست. چنین سناریویی، نه تنها گلوگاه‌های انرژی منطقه را به خطر می‌اندازد، بلکه جهانی را وارد بحرانی عمیق کند؛ بحرانی که هزینه سیاسی آن، سال‌ها گریبان‌گیر جمهوری خواهد شد.

سیاست خارجی

تحلیلگر المیادین: تیم ونس، اسرائیل را به آمریکا ترجیح داد

«موسی عاصی» خبرنگار و تحلیلگر ارشد شبکه المیادین در تحلیلی جامع به بررسی دلایل پشت پرده شکست دور اخیر مذاکرات میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخت و تأکید کرد که بهانه هسته‌ای مطرح‌شده از سوی «جی دی ونس» فرستاده ویژه آمریکا، پوششی برای پنهان کردن علل واقعی این ناکامی است. تحلیلگر المیادین سپس به جانبداری تیم مذاکره‌کننده آمریکایی از اسرائیل پرداخت و گفت: از سوی دیگر، جانبداری آشکار ایالات متحده از آنچه رئیس‌جمهور آمریکا قبلاً با آن موافقت کرده بود (به ویژه در موضوع لبنان)، برای طرف ایرانی کاملاً مشهود بود.

عاصی با اشاره به اعتراف ونس درباره تماس‌های مکرر با ترامپ در جریان مذاکرات، نتیجه‌گیری کرد: «آنچه کاملاً پیداست این است که ایالات متحده و تیم مذاکره‌کننده آمریکایی که از سوی دونالد ترامپ اختیارات تام و کامل دریافت نکرده بود موضوعی که خود جی دی ونس نیز به آن اعتراف کرد و گفت طی بیست ساعت، ده‌ها بار با ترامپ تماس تلفنی داشته است عملاً منافع اسرائیل را بر منافع ملی آمریکا و بر مصلحت صلح ترجیح داد. این انتخاب فارغ از تبعات آن برای منطقه خاورمیانه



یا حتی در مقیاس جهانی بوده است.»

از کدام ایران حرف می‌زنید؟

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

در روزهایی که رسانه‌ها - به ویژه آن دسته که ادعای انقلابی گری دارند - باید بیش از همه مراقب پنجره قلب و مغز مردم باشند، عده‌ای با ضربید دادن به برخی چهره‌های نیمه سلبریتی، روایتی کج و معوج از تاریخ ایران منعکس می‌کنند. روایتی که بیش از آن که ریشه در واقعیت تاریخی داشته باشد، رنگ و بوی اغراق و کاسب کاری دارد. این افراد با تکرار گزاره‌هایی همچون «ایران هرگز در برابر دشمنان سر خم نکرده» یا «ایران همواره در پی امپراتوری بوده»، تصویری یکدست و اسطوره‌ای از تاریخ این سرزمین ارائه می‌دهند؛ تصویری که با واقعیت‌های پیچیده و گاه تلخ تاریخ ایران همخوانی ندارد.

مرور دقیق تاریخ نشان می‌دهد که ایران، دوره‌هایی از اقتدار و شکوه را تجربه کرده، اما در عین حال بارها نیز دچار شکست، اشغال و تحقیر شده است. از حمله اعراب گرفته تا یورش مغولان و مداخلات قدرت‌های خارجی در دوره‌های متأخر، این سرزمین فرا زو فرودهای بسیاری را از سر گذرانده است. بنابراین، تلاش برای پیوند مستقیم و بی‌واسطه میان دوران باستان، و ایران معاصر، ساده‌سازی و تحریف تاریخ است.

در این میان، نکته قابل تأمل، نادیده گرفتن نقش تحولات معاصر، به ویژه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در بازتعریف هویت و جایگاه ایران است. بدون در نظر گرفتن این نقطه عطف، هرگونه سخن گفتن از «عظمت» و «غرور ملی» ناقص است. انقلاب اسلامی ایران را به تاریخ برگرداند و از مردمی تحقیر شده، ملتی پولادین سات که گردن هر متجاوزی را می‌شکند. پرسش اساسی اینجاست: چرا برخی چهره‌ها چنین روایت‌هایی را مطرح می‌کنند؟ پاسخ مشخص است؛ آنها از یک سو تلاش می‌کنند برای بهره‌مند شدن از امکانات و حمایت‌های رسمی یکی به میخ بزنند و از سوی دیگر برای از دست ندادن آن طرف بازار یکی به نعل.

در چنین شرایطی، مسئولیت رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های مدعی، سنگین تر از همیشه است. باز نشر و تقویت این گونه اظهارات بدون نقد و بررسی، تنها به گسترش روایت‌های نادرست کمک می‌کند. ضروری است که با نگاهی دقیق، منصفانه و مبتنی بر واقعیت، به تاریخ نگریسته شود و از تبدیل آن به ابزاری برای منافع شخصی پرهیز گردد.

نسبت سینمای اجتماعی و دفاع ملی؛

جنگ، کاخ آرزوی سینمای اجتماعی را خراب کرد

وقتی آمریکا پل‌ها، کارخانجات، ریل‌های آهن و پل‌ها، بالاخص پل بی‌اگر، شاهکار مهندسی ایرانیان را تخریب کرد، کمتر کسی فکروش را می‌کرد که جمهوری اسلامی در ۴۷ سال حکمرانی تا این حد برای زیرساخت‌های کشور و عزت این مملکت کار کرده باشد. مایه تاسف است که تعداد قابل توجهی از مردم به دلیل پرده‌ای که رسانه‌ها

به صورت سهوی یا عمدی جلوی دیدگان نشان گرفته‌اند فهمی از اهمیت نظام اسلامی ندارند و اینطور تصور می‌کنند که هیچ قدم مثبتی در مملکت از بهمن ماه ۱۳۵۷ به اینسو برداشته نشده است، در صورتی که روند تغییرات کاملاً خلاف این مسئله را نشان می‌دهد و سینما نقش منفی زیادی ایفاء کرده است.



ایمان اعظمی
روزنامه‌نگار

اگر سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب و دهه شصت تا نیمه هفتاد را که سینما به شکلی طبیعی و کاملاً ارگانیک روند خود را طی می‌کرد فاکتور بگیریم، نفوذ سینمای بدون قاعده و گرامر سینمای به جریان اصلی تولیدات، قطار رو به جلوی فیلم‌های ما به سمت روایت پیشرفت را از ریل خارج کرد. این اتفاق تا جایی پیش رفت که آثار ژانری به حاشیه رفتند و هویت ملی مردم ما در رقاب دور بین از اساس انکار رشد و کنار رفت.

شاید در نگاه نخست، این قول صریح، گزنده و حتی دور از واقعیتی باشد که سینمای اجتماعی راتا این حد در چرخه جنگ شناختی غرب با ایران اسلامی مهم تلقی کنیم، اما اینطور نیست و سینما حکم یکی از قطعات مهم پازل در نبرد تمدنی میان ما و آن‌ها را دارد. وقتی به آثار مورد اقبال جشنواره‌های اروپایی و جشن‌ها و رویدادهای آمریکایی را مورد بررسی قرار می‌دهیم به جرات برای مان مشخص می‌شود که مسئله زیبایی شناسی و تاکید بر اهمیت آن تنها مصرف داخلی دارد و رویکرد فستیوال‌های آنو آبی نسبت به محصولات سینمایی ما و کشورهای منطقه غرب آسیا و هر جایی که مقاومت را به ذلت و تسلیم ترجیح می‌دهد، کاملاً متفاوت است.

در واقع کن، ونیز، برلین و حتی اسکار به عنوان محل تلاقی هنر و صنعت سینما به فیلم‌های ایرانی

نگاهی تماتیک دارند و این پیام را به سینماگران ما می‌رسانند که اگر می‌خواهید به چشم ما بیایید و توسط ما پذیرفته شوید باید افکار شرقی تان را کنار بگذارید و مانند یک مستشرق غربی علیه تمدن مبدا و کشور مادری دست به اقدام بزنید. این دست به اقدام زدن نسخه دیگری از همان اسلحه دست گرفتن نیروهای خائن ژنرال پتن در جنگ دوم جهانی است.

فیلمساز در این موقعیت ژست مردم دوستی می‌گیرد، از تمدن غنی ایرانیان در گذشته دم می‌زند، تصویری غریب، اما چشم‌نواز از قرن‌های پیش ترسیم می‌کند که نسبتی با وضعیت حال ندارد، اما در زیرمتن، خود را یک سر باز گوش به فرمان در لشکر غرب فرهنگی و معرفی می‌کند. «پچه‌های آسمان» مجیدی علی‌رغم تمام شباهت‌های سینمایی اسکار گرفت، اما «فروشنده» فرهادی موفق به دریافت این جایزه شد، چون از منظر تماتیک مورد قبول هالیوود دموکرات‌ها بود.

تصویری که آثاری نظیر فروشنده از ایران به جهان غرب ارائه می‌دهند، اگرچه نسبتی با رئالیسم مورد وثوق جماعت مدعی و همینطور جامعه مدنی مخاطبان هدف این مدل از سینما ندارد، اما به طور حتم در جریان اصلی سینمای جشنواره‌ای پذیرفته شده است. سوای این مسئله باید گفت که انفجار پل بی‌اگر در کرج توسط آمریکای جنایتکار با برداشتن پرده از واقعیت کاذب سینمایی، واقعیت عینی را موکد می‌سازد.



اقتصاد کشور به آن وابسته است. اگر امروز از این صنعت حمایت نشود، فردا با تعطیلی گسترده سالن‌ها و بیکاری بسیاری از نیروهای شاغل در این حوزه مواجه خواهیم شد. حمایت دولت از طرق مختلف مانند تسهیلات مالی و برنامه‌های تشویقی برای بازگشت مخاطبان، امری ضروری است. در کنار آن، مردم نیز می‌توانند با بازگشت به سینماها و حمایت از آثار داخلی، به احیای این صنعت کمک کنند. نجات سینما، در واقع حفظ بخشی از روح فرهنگی جامعه است.

جنگ ۴۰ روزه میان ایران و آمریکا، علاوه بر خسارات انسانی و زیرساختی، ضربه‌ای جدی به صنعت سینما وارد کرد. در این مدت، بسیاری از سالن‌های سینما تعطیل شدند یا با کاهش شدید مخاطب مواجه بودند؛ مردمی که درگیر نگرانی‌های روزمره و شرایط بحرانی بودند، طبیعتاً سینما را در اولویت قرار ندادند. نتیجه این وضعیت، افت چشمگیر فروش و به خطر افتادن معیشت سینماداران و فعالان این حوزه است. سینما تنها یک سرگرمی نیست؛ بخشی از فرهنگ، هویت و حتی

لزوم حمایت از سینماداران

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۱

■ آدرس: خ سه‌پهلو قزوینی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگی

C U L T U R A L

■ دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۴

یادداشت

آوینی؛ راوی حقیقت در عصر تصویر

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

سالگرد شهادت سید مرتضی آوینی، بیش از آنکه صرفاً یادآور یک چهره فرهنگی باشد، مجالی است برای بازاندیشی در نسبت «هنر» و «حقیقت»؛ نسبتی که آوینی در زیست و نوشتار و تصویرش، آن را به نحوی کم نظیر صورت‌بندی کرد. او را نمی‌توان فقط در رقاب یک مستندساز جنگ محدود کرد؛ آوینی، به معنای دقیق کلمه، متفکری بود که رسانه را به مثابه امکان انکشاف حقیقت فهم می‌کرد.

آنچه در آثار او برجسته است، عبور از سطح پدیداری وقایع به سوی نوعی ساحت باطنی است؛ گویی تصویر برای او نه بازتابی صرف واقعیت، بلکه واسطه‌ای برای «تذکر» بود. در «روایت فتح»، جنگ دیگری رخداد تاریخی نیست، بلکه به مثابه میدانی برای ظهور نسبت انسان با امر قدسی و استعلایی فهم می‌شود. اینجاست که زبان آوینی، چه در متن و چه در نریشن، به قلمرویی نزدیک می‌شود که می‌توان آن را «حکمتِ روایی» نامید.

آوینی در برابر تلقی مدرن از هنر، که آن را به خود بسندگی فرم و تجربه زیباشناختی تقلیل می‌دهد، موضعی انتقادی داشت. او معتقد بود هنر، اگر از حقیقت متعالی گسسته شود، به سطحی گری و خودارجاعی فرو می‌غلند. از این منظر، آثار او تلاشی است برای بازگرداندن معنا به تصویر؛ تلاشی که در آن، تکنیک در خدمت شهود قرار می‌گیرد، نه بالعکس.

شهادت او نیز، در امتداد همین دستگاه فکری قابل فهم است؛ نوعی «اتمام سلوک» که در آن، فاصله میان راوی و روایت از میان برمی‌خیزد. آوینی نه فقط درباره حقیقت نوشت و تصویر ساخت، بلکه در نهایت، خود به بخشی از همان روایت بدل شد.

در روزگاری که تصویر، بیش از هر زمان دیگری در معرض ابتذال و مصرف‌زدگی است، بازخوانی آوینی ضرورتی دوچندان دارد. او ما را به این پرسش بنیادین فرامی‌خواند: آیا هنوز می‌توان در عصر سیطره رسانه، از حقیقت سخن گفت، و اگر آری، چگونه؟